

بررسی رابطه چرخش‌های اجباری و اختیاری مؤسسات حسابرسی و نقد شوندگی

سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

رضا جامعی^۱، بهنام نصیری^۲

بر اساس سوابق موجود انتظار بر این است که چرخش مؤسسات حسابرسی باعث افزایش کیفیت حسابرسی، افزایش کیفیت افشاء، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش نقد شوندگی سهام شرکت‌ها در بازار بورس گردد. لذا در این پژوهش، تأثیر چرخش‌های اجباری و داوطلبانه مؤسسات حسابرسی بر نقد شوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار گرفته است. نمونه مورد بررسی شامل آن دسته از جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که طی بازه مورد بررسی حداقل یک‌بار چرخش حسابرس داشته‌اند. اطلاعات مورد نیاز از صورت‌های مالی، گزارش‌های حسابرس و سوابق معاملات سهام بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شده است. این پژوهش ۱۵۲ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ را مورد بررسی قرار می‌دهد. داده‌های اولیه پس از گردآوری، با استفاده نرم‌افزار Eviews9 مورد تجزیه و تحلیل واقع شدند و برای بررسی رابطه بین متغیرها از رگرسیون چند متغیره و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل داده‌های ترکیبی (پنل) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چرخش اختیاری و چرخش اجباری حسابرس با نقد شوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری ندارند.

واژه‌های کلیدی: چرخش اختیاری، چرخش اجباری، عدم تقارن اطلاعاتی، نقد شوندگی سهام.

۱. جامعی، رضا. استادیار گروه حسابداری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کردستان،

r.jamei@uok.ac.ir ، ۰۹۱۸۳۷۱۶۴۵۳

۲. نصیری، بهنام. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه

کردستان، b.nasiri86527@gmail.com ، ۰۹۱۹۵۹۸۶۶۰۸، (نویسنده پاسخگو).

مقدمه

حسابرسان نقش مهمی در تعیین کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سرمایه‌دارند (بالورس و مسدونالد، میلر، ۱۹۸۸؛ دی‌آنجلینو، ۱۹۸۱؛ فورتین و پیتمن، ۲۰۰۷؛ پیتمن و فورتین، ۲۰۰۴). تصمیم یک شرکت به تغییر حسابرس اطلاعات مهمی به بازار سرمایه با توجه به کیفیت گزارش‌های مالی فراهم می‌کند (سون‌ها، یانگ، سیک، فردیناند و وو جونگ، ۲۰۱۵). حسابرسان طی چند سال اخیر، به علت نقش آنان در رسوایی‌های شرکت‌های بزرگی چون اندرون و ورلد‌کام، مورد سرزنش قرار گرفته و در این بین، استقلال به‌عنوان عامل مهم در تعیین کیفیت حسابرسی، بیش از سایر عوامل توجه منتقدین را به خود جلب کرده است. از دلایل خدشه‌دار شدن استقلال حسابرسان، وجود رابطه طولانی مدت بین آن‌ها و صاحب‌کار است که نگرانی‌های ماتز و شرف بیش از ۴۰ سال قبل، در زمینه افزایش تدریجی سطح روابط رفاقتی در اثر ارتباط طولانی مدت بین حسابرس و صاحب‌کار، نیز نشان از اهمیت موضوع از سالیان دور دارد (حساس یگانه، ۱۳۸۴). همواره قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی سعی در تدوین قوانینی داشتند تا استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشند. به‌عنوان نمونه قانون ساربنز-آکسلی^۲ (۲۰۰۲) که مؤسسات حسابرسی را ملزم می‌کند شرکا و مدیران خود را بعد از هر ۵ سال متوالی کار حسابرسی روی یک صاحب‌کار تغییر دهند (حساس یگانه ۱۳۸۵). در ایران بنا بر تصویب دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار (ماده ۱۰ تبصره ۲) توسط شورای عالی بورس در تاریخ ۸/۰۵/۸۶ مبنی بر اینکه مؤسسات حسابرسی و شرکای حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی (تعریف شده در ماده ۱۰ دستورالعمل فوق‌الذکر)، بعد از گذشت ۴ سال مجاز نیستند مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند و حتی در صورت خروج شرکا از موسسه قبلی، شریک مسئول کار در دوره ۴ سال قبلی، نمی‌تواند با حضور به‌عنوان شریک در موسسه حسابرسی دیگر سمت مزبور را قبول کند (رحیمیان و جان‌فدا، ۱۳۹۳).

در هر بازار مالی با توجه به گستردگی و عمق بازار، ابزارهای متنوعی برای سرمایه‌گذاری وجود دارد. سرمایه‌گذاران، با عنایت به بازده و ریسک دارایی‌ها، سرمایه‌گذاری می‌کنند. یکی از عوامل مؤثر بر ریسک دارایی‌ها، قابلیت نقد شوندگی آن‌هاست. هر چه قابلیت نقد شوندگی یک سهم کمتر باشد، آن سهم برای سرمایه‌گذاران جذابیت کمتری خواهد داشت، مگر اینکه بازده بیشتری عاید دارنده شود. شواهد تجربی نشان می‌دهد که عامل نقد شوندگی در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند نقش مهمی را ایفا نماید. به‌عبارت‌دیگر، برخی سرمایه‌گذاران ممکن است به‌سرعت به منابع مالی سرمایه‌گذاران خود نیاز داشته باشند که در چنین مواردی قدرت نقد شوندگی می‌تواند اهمیت زیادی داشته باشد.

1- Sarbanes-Oxley.

نقد شونددگی به معنای سرعت تبدیل سرمایه گذاری‌ها یا دارایی‌ها به وجوه نقد می‌باشد. اوراق بهاداری که در بورس - اوراق بهادار با استقبال روبرو می‌شوند می‌تواند حاکی از سرعت نقد شونددگی آن‌ها باشد (یحیی زاده و فروخرمدین، ۱۳۸۷). کیفیت افشاء درواقع یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی قلمداد می‌شود. به لحاظ تئوریک، افشای باکیفیت با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه و در نتیجه افزایش حجم معاملات و ارزش بازار سهام همراه است که این امر به نوبه خود منجر به افزایش نقد شونددگی سهام می‌شود (آمیهود و مندلسون، ۱۹۸۸). در این پژوهش، به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا بین چرخش‌های اختیاری و اجباری مؤسسات حسابرسی و نقد شونددگی سهام بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد. آنچه این پژوهش به سوابق موجود اضافه می‌کند بررسی تبعات اقتصادی رابطه حسابرس و صاحب‌کار در بازار مالی ایران است. فرض بر این است که ویژگی‌های حسابرسی، علائمی را به بازار سهام مخابره می‌کند. این علائم می‌تواند بر انتظارات بازار یا انتظارات سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد که اولی از طریق تغییر در بازده و دومی از طریق تغییر در نقد شونددگی سهام اندازه‌گیری می‌شود.

پیشینه نظری پژوهش

چرخش‌های اجباری و اختیاری حسابرس: نقش حسابرسان در بازار سهام مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفته است. حسابرسان دو نقش بااهمیت اطلاعاتی و اطمینان بخشی در بازار سهام دارند، آن‌ها با گزارش خود به قابلیت اتکای اطلاعات می‌افزایند و هزینه سرمایه شرکت را کاهش می‌دهد (علوی طبری و حاجی مرادخانی، ۱۳۹۴). بررسی‌هایی که توسط (بیتی و فیرنلی، ۱۹۸۵) نشان می‌دهد که شرکت‌ها به چند دلیل حسابرس خود را تغییر می‌دهند شایع‌ترین دلایل عبارت‌اند از سطح حق‌الزحمه حسابرسی، نارضایتی از کیفیت حسابرسی، تغییرات مدیریت ارشد و رشد شرکت. حامیان تغییر اجباری حسابرسان بر این عقیده هستند که حسابرسان بعد از حضور طولانی مدت در کنار یک صاحب‌کار، به دلیل وابستگی‌های اقتصادی انگیزه بیشتری برای حفظ صاحب‌کار و پذیرش دیدگاه‌ها و خواسته‌های وی خواهند داشت که این امر استقلال آن‌ها را مخدوش می‌کند. مخالفان تغییر اجباری، شاید این دیدگاه را تأیید کنند لکن آنان اعتقاد دارند مخارج اجرا و اعمال این قانون بیش از منافع آن است. از طرفی، آن‌ها استدلال می‌کنند که عوامل دیگری نظیر نیاز به حفظ اعتبار و شهرت و ترس از طرح دعاوی حقوقی علیه آن‌ها وجود دارد که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال می‌کند (کرمی و بذرافشان، ۱۳۸۹). به‌رحال، دوره تصدی طولانی مدت بین کارکنان موسسه حسابرسی و صاحب‌کار به آشنایی بیشتر آن‌ها منجر می‌شود و افزایش نگرانی‌ها در مورد استقلال حسابرس را در پی خواهد داشت. دو سازوکار برای توجیه این نگرانی وجود دارد. سازوکار نخست برای توجیه این نگرانی، نظارت مداخله جویان به فرآیند کنترل کیفیت مؤسسات حسابرسی که بعد از قانون ساینز-آکسلی ۲۰۰۲ در آمریکا جدی‌تر شد. بیشتر افراد به دخالت دولت توسط ابزارهایی مثل چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی اشاره می‌کنند و معتقدند که می‌تواند سودمند واقع شود، به

دلیل این که از سرمایه گذاران حمایت کرده و افزایش قابلیت اتکای اطلاعات را به همراه دارد و رشد بازار را در پی خواهد داشت. چرخش اجباری شرکای حسابرسی در ایالات متحده و بعضی نقاط دیگر اجرا می شود و درحالی که چرخش مؤسسات حسابرسی تنها در کشورهای کمی در جهان مورد قبول قرار گرفته است. محققان به بررسی اثر گردش اجباری حسابرس بر استقلال او پرداختند. نتایج نشان داد که چرخش اجباری حسابرس موجب افزایش استقلال او می شود. بر اساس بررسی انجام شده توسط اداره پاسخگویی دولت ایالات متحده در سال ۲۰۰۳، گردش اجباری مؤسسات حسابرسی به رغم افزایش هزینه شناخت بنیادی و کلی از شرکت می تواند مؤثرترین راه برای افزایش استقلال و کیفیت حسابرسی تلقی گردد (رحیمیان و جان فدا، ۱۳۹۳). سازوکار دیگر، حرفه ای کردن خود حسابرسی است و این در صورتی امکان پذیر خواهد بود که مؤسسات حسابرسی به دلیل به دست آوردن سهمی از بازار و مشوق های مالی تمایل داشته باشند شهرت خودشان را حفظ کنند. طرفداران این سازوکار معتقدند که بازار و فعالیت های خصوصی می تواند مراقب بیشتر شکست های بازار، بدون نیاز به مداخله دولت باشد. به اعتقاد آنها عوامل دیگری وجود دارند که حسابرسان را وادار به حفظ استقلال می کنند. به عنوان نمونه، تلاشی که حسابرسان برای حفظ اعتبار و شهرت به کار می گیرند یا ترس از احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه آنها سازوکارهایی هستند که مانع از رفتارهای نامناسب حسابرسان می شود. آنها معتقدند حسابرسان با گذشت زمان شناخت بهتری از فعالیت صاحب کار به دست آورده و تجربه بیشتری کسب می کنند و به این ترتیب توانایی آنان در مورد مناسب بودن یا نبودن رویه های حسابداری و گزارشگری افزایش می یابد؛ بنابراین رابطه طولانی مدت حسابرس و صاحب کار می تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد (چن و لین، ۲۰۰۴). به اعتقاد آنها، تغییر حسابرس باعث خواهد شد اعتماد سرمایه گذاران به اتکاپذیری صورت های مالی کاهش یافته و از این رو اعتبار حسابرسی کاهش یابد، از طرف دیگر هزینه های حسابرسی، چه برای حسابرس و چه برای صاحب کار افزایش خواهد یافت (سینت، ۲۰۰۷).

نقد شوندگی سهام

نقد شوندگی را می توان این گونه تعریف کرد، نقد شوندگی دارایی ها عبارات است از توانایی معامله سریع و حجم بالایی از اوراق بهادار با هزینه پایین و تأثیر قیمتی کم، تأثیر قیمتی کم به این معنی است که قیمت دارایی در فاصله میان سفارش تا خرید تغییر چندانی نداشته باشد (آیتکن و فوراد، ۲۰۰۳). نقد شوندگی یک معیار چندبعدی است و از آنجا که هنوز معیار منحصربه فردی وجود ندارد که بتواند تمام ابعاد نقد شوندگی را نشان دهد، لذا از چندین معیار مجزا که هر یک بیانگر یک بعد از نقد شوندگی است، استفاده می شود. تاکنون معیارهای جایگزین بسیاری برای نقد شوندگی

معرفی شده‌اند که از جمله می‌توان به ارزش معامله، حجم معامله، نسبت گردش حجم معامله و تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش اشاره نمود (اسلامی بیدگلی و سارنگ، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر چرخش حسابرس موجب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود زیرا در دوره ارتباط طولانی‌تر حسابرس شناخت بیشتری از صاحب کار کسب کرده و هوشیاری وی از کار بیشتر می‌شود؛ بنابراین با چرخش و قطع ارتباط، ریسک حسابرسی افزایش می‌یابد. چرخش همچنین هزینه‌های حسابرسی را افزایش می‌دهد و این هزینه به هر دو طرف تحمیل خواهد شد (رحیمیان و شکری، ۱۳۹۲). همچنین (حساس یگانه و جعفری، ۱۳۸۹) نشان داده‌اند که چرخش مؤسسات حسابرسی در ایران منجر به افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود. نتایج (کرمی و بذرافشان، ۱۳۸۹) نیز حاکی از آن است که با افزایش دوره تصدی حسابرس (چرخش کمتر)، انعطاف‌پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری یا به عبارتی مدیریت سود افزایش می‌یابد.

پیشینه تجربی پژوهش

هفلین و شاوو (۲۰۰۲) اشاره کردند که کیفیت اطلاعات برای نقد شوندگی بازار با اهمیت است. کیفیت افشای حسابداری به‌عنوان ابزاری برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی میان معامله‌گران محسوب می‌شوند و توانایی معامله‌گران را برای انجام معامله در زمانی که تمایل دارند و با هزینه معقول، به‌طور مؤثر افزایش می‌دهد. همچنین آن‌ها، با آزمون اطلاعاتی ۲۲۱ شرکت آمریکایی طی دوره ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۸، نتیجه گرفتند که کیفیت بالای افشاء، نقد شوندگی بازار را از طریق افزایش عمق قیمت و کاهش دامنه مؤثر قیمت افزایش می‌دهد.

کیم و وایی (۲۰۰۶) تأثیر مثبت چرخش مؤسسات حسابرسی را روی کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در کره را مستند کرده‌اند و دریافته‌اند که سطح اقلام تعهدی اختیاری در بی‌تغییر حسابرس کاهش می‌یابد. به اعتقاد آن‌ها اعمال هرگونه محدودیت بر روابط حسابرس و صاحب کار، کیفیت حسابرسی را بهبود می‌دهد. در صورتی که رویز و گومز (۲۰۰۲) چنین تأثیری را در مؤسسات اسپانیایی پیدا نکرده‌اند و مطابق نتایج ایشان کیفیت حسابرسی به‌طور منفی تحت تأثیر سیاست چرخش حسابرس است.

الموتیری و دون (۲۰۰۹) رابطه تخصص حسابرس و سال‌های متوالی حسابرسی را با شکاف قیمت نسبی برای یک نمونه از ۳۱۶۸۹ سال-شرکت طی دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۱، در بورس آمریکا بررسی کردند. نتایج حاصل از تحلیل پنل نشان داد رابطه منفی (مثبت) بین تخصص حسابرس و شکاف قیمت نسبی (نقد شوندگی سهام) وجود دارد. یافته‌های آن‌ها همچنین ثابت کرد بین طول مدت ارتباط حسابرس با شرکت و شکاف قیمت نسبی یک رابطه U شکل وجود

دارد. در سال‌های اولیه ارتباط شکاف قیمت (نقد شوندگی سهام) افزایش (کاهش)، سپس کاهش (افزایش) و با طولانی‌تر شدن دوره ارتباط مجدداً افزایش (کاهش) می‌یابد.

گال ولی (۲۰۱۰) با استفاده از رگرسیون‌های تلفیقی در یک نمونه از ۹۲۴۱ شرکت عضو بورس اوراق بهادار کره طی دوره ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۵ نشان دادند که نقد شوندگی سهام با کیفیت حسابرس مرتبط است. آن‌ها ثابت کردند شرکت‌هایی که حسابرس خود را از یک مؤسسه با کیفیت (چهار بزرگ) به یک مؤسسه حسابرسی با کیفیت پایین‌تر تغییر می‌دهند، کاهش بااهمیتی را در نقد شوندگی سهام خود را تجربه می‌کنند.

سون هوچی و یونگ دیک (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر چرخش اجباری و چرخش اختیاری حسابرس بر نقد شوندگی سهام در بورس کشور کره پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر می‌دهند نقد شوندگی سهام پایین‌تری نسبت به شرکت‌هایی که حسابرس خود را تغییر نمی‌دهند دارند و همچنین دریافتند که چرخش حسابرس به حسابرسان با کیفیت پایین در شرکت‌های بر نقد شوندگی سهام تأثیری منفی دارد. آن‌ها همچنین در این پژوهش دریافتند که مالکیت خارجی تأثیر ارتباط منفی بین چرخش حسابرس و نقد شوندگی سهام را کاهش می‌دهد.

حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۹) به بررسی اثر چرخش مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت‌ها پذیرفته‌شده در بورس پرداختند. از دیدگاه آن‌ها منظور از چرخش مؤسسات حسابرسی، جابجایی و تعویض حسابرسان در دوره‌های زمانی چهارساله و کیفیت حسابرسی نیز حاصل جمع شایستگی (توانایی کشف اشتباه) و استقلال حسابرسی (انگیزه گزارش موارد کشف‌شده) است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که چرخش مؤسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود.

کرمی، بذرافشان و محمدی (۱۳۸۹) پژوهشی در مورد بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و مدیریت سود انجام دادند. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که احتمال مدیریت سود با افزایش دوره تصدی حسابرسی افزایش می‌یابد. این یافته‌ها با این ادعا سازگار است، حسابرسانی که روابط طولانی با صاحب‌کاران دارند به احتمال زیاد، آزادی عمل بیشتری برای صاحب‌کاران آن‌ها در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری به منظور مدیریت سود، وجود دارد. این نتایج با ادعای کمیته نظارتی بورس اوراق بهادار سازگار است که بیان می‌کنند استقلال حسابرس در روابط بلندمدت با صاحب‌کار کاهش می‌یابد.

ملکیان و معین‌الدین (۱۳۹۰) به بررسی رابطه کیفیت حسابرسی مستقل و اختلاف قیمت پیشنهادی خریدوفروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش رابطه اندازه مؤسسه حسابرسی و سال‌های متوالی حسابرسی را با اختلاف قیمت پیشنهادی خریدوفروش آزمون کردند. روش مورداستفاده آن‌ها رگرسیون ترکیبی، دوره موردبررسی آن‌ها ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ و نمونه ایشان متشکل از ۱۰۸ شرکت می‌باشد. نتایج آن‌ها حاکی از عدم وجود ارتباط معنی‌دار بین مؤسسه حسابرسی بزرگ و اختلاف قیمت پیشنهادی خریدوفروش سهام و وجود رابطه منفی و معنادار بین تعداد سال-های متوالی حسابرسی و اختلاف قیمت پیشنهادی خریدوفروش سهام است.

رحیمیان و جان فدا (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر چرخش اجباری و داوطلبانه مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداختند آن‌ها ۱۱۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ که چرخش اجباری و داوطلبانه را تجربه کرده‌اند را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که چرخش اجباری و داوطلبانه مؤسسات حسابرسی تأثیری بر کیفیت حسابرسی ندارد. همچنین در پژوهش یعقوب نژاد و ذبیحی (۱۳۹۰) آمده است که چرخش مؤسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود.

علوی طبری و حاجی مرادخانی (۱۳۹۴) پژوهشی در مورد رابطه کیفیت حسابرسی و نقد شوندگی انجام دادند؛ که در این پژوهش رابطه برخی معیارهای کیفیت حسابرسی (حق‌الزحمه حسابرسی، چرخش حسابرس و اندازه حسابرس) را با نقد شوندگی سهام (شکاف قیمت نسبی، شکاف قیمت مؤثر و عمق بازار) موردبررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که بین چرخش حسابرس و نقد شوندگی سهام رابطه معناداری وجود ندارد.

اینکه کدام‌یک از انواع چرخش‌های اجباری و اختیاری می‌تواند باعث تغییر در نقد شوندگی شود یک سؤال تجربی است. در این مقاله ارتباط تجربی بین چرخش‌های اجباری و اختیاری حسابرس و نقد شوندگی سهام ارزیابی می‌شود. بر اساس مطالب بیان‌شده فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر مطرح شده است:

فرضیه اول: بین چرخش اجباری حسابرسان و نقد شوندگی سهام رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین چرخش اختیاری حسابرسان و نقد شوندگی سهام رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: نقش چرخش اجباری نسبت به چرخش اختیاری حسابرسان در افزایش نقد شوندگی سهام بیشتر است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ طبقه‌بندی پژوهش بر مبنای هدف، از نوع کاربردی است. همچنین پژوهش حاضر از لحاظ طبقه-بندی برحسب روش، از نوع توصیفی است. از میان انواع پژوهش‌های توصیفی از نوع همبستگی بوده، چراکه در آن،

ارتباط بین چند متغیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل رگرسیونی استفاده شده است. داده‌های مالی و داده‌های مربوط به تغییر حسابرس، از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار که بر روی سایت سازمان بورس قرار گرفته و کتابخانه سازمان بورس استخراج شده است. پس از گردآوری داده‌های اولیه، این داده‌ها از طریق روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار Excel و Eviews9 تجزیه و تحلیل شده است.

جامعه آماری این پژوهش تمامی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ می‌باشد. در این پژوهش، تلفیقی از داده‌های سری زمانی و مقطع زمانی (داده‌های ترکیبی) استفاده شده است و در مجموع ۱۲۱۶ (سال/ شرکت)، به‌عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک بوده و نمونه آماری از بین شرکت‌هایی که حائز شرایط زیر باشند، انتخاب شده است:

- ۱- اطلاعات مالی شرکت برای دوره زمانی پژوهش موجود باشد.
 - ۲- در طی دوره پژوهش در بورس حضور داشته باشد.
 - ۳- سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
 - ۴- جزء شرکت‌های مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری نباشند.
- پس از حذف شرکت‌های فاقد معیارهای یادشده، از بین کل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۱۵۲ شرکت به‌عنوان جامعه غربال شده آماری این پژوهش باقی ماندند.

متغیرها و مدل پژوهش

متغیرهای مستقل: چرخش اختیاری حسابرس (VFR) و چرخش اجباری حسابرس (MFR)

چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی، اشاره به این دارد که موسسه حسابرس مستقل یک شرکت به‌صورت اجباری تعویض گردد و از بین سایر مؤسسات واجد شرایط آن شرکت به‌عنوان حسابرس جدید انتخاب شود. با توجه به اینکه طبق تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی شروع مهلت ۴ سال از تاریخ تصویب دستورالعمل می‌باشد، لذا مؤسسات حسابرسی از تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۸ در صورتی که ۴ سال متوالی اخیر حسابرس و بازرس شرکت بوده‌اند، نمی‌توانند پس از تاریخ یادشده، مجدداً سمت حسابرس و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند. به‌عبارت‌دیگر در صورتی که مجمع عمومی عادی شرکتی پس از تاریخ ۱۳۸۶/۰۵/۰۸ برگزار شود، موسسه حسابرسی که ۴ سال (دوره) متوالی قبل حسابرس و بازرس شرکت بوده است، نمی‌تواند سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی آن شرکت را بپذیرد. با توجه به این که چرخش مؤسسات حسابرسی پس از دوره ۴ ساله در سال ۸۶ الزامی شده است و شروع اولین

دوره این مهلت از تاریخ تصویب این دستورالعمل است، بنابراین اولین دوره چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی از سال ۸۶ قابل شناسایی است؛ بنابراین برای شناسایی چرخش اجباری از اطلاعات مالی سال ۸۲ الی ۹۳ استفاده شده است و در صورتی که حسابرس شرکت از سال ۸۲ به مدت ۴ سال متوالی تا سال ۸۶ تغییر نکرده باشد و در سال ۸۶ تغییر کرده باشد به عنوان چرخش اجباری شناسایی می‌شد و این عمل برای سال‌های دیگر تا سال ۹۳ ادامه داده شد. چرخش اختیاری مؤسسات حسابرسی، اشاره به این دارد که موسسه حسابرس مستقل یک شرکت به صورت اختیاری تعویض گردد و از بین سایر مؤسسات واجد شرایط آن شرکت به عنوان حسابرس جدید انتخاب شود. لذا معیار شناسایی چرخش اختیاری، حسابرس یک شرکت نسبت به سال قبل تغییر کرده است، به استثنای چرخش‌هایی که پس از یک دوره متوالی ۴ ساله تغییر پیدا کرده باشد.

متغیر وابسته: نقد شونددگی سهام

نقد شونددگی یک معیار چندبعدی است. تاکنون چندین متغیر جایگزین برای نقد شونددگی معرفی شده‌اند که عبارتند از: ارزش معامله، تعداد معامله، حجم معامله، نسبت گردش حجم معامله و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش. در این پژوهش از معیار عدم نقد شونددگی ارائه شده توسط آمیهود (۲۰۰۲) استفاده می‌شود که نحوه محاسبه آن به شرح زیر است:

$$ILLIQ_{j,t} = \frac{1}{D_{j,t}} \sum_{d=1}^{D_{j,t}} \frac{|R_{j,d,t}|}{V_{j,t,d}}$$

که در آن $R_{j,d,t}$ با $R_{j,d,t}$ سهم زد در روز d در ماه t ، $V_{i,d,t}$ حجم معاملات بر روی سهم j در روز d در ماه t و $D_{j,t}$ تعداد روزهای انجام معامله بر روی سهم j در ماه t ، $ILLIQ$ نسبت عدم شونددگی می‌باشد. چنانچه مقدار نسبت عدم نقد شونددگی بالا باشد، آن سهم با عدم نقد شونددگی روبرو است. مقدار این نسبت زمانی بالا است که قیمت سهم در واکنش به حجم معاملات اندک، تغییرات زیادی داشته باشد. این معیار به عنوان واکنش قیمت روزانه سهام به حجم معاملات تفسیر می‌شود.

مدل پژوهش

$$\text{Liquidity Measure} = \alpha + \beta_1 \text{MFR} + \beta_2 \text{VFR} + \beta_3 \text{Firm Size} +$$

$$\beta_4 \text{Lev} + \beta_5 \text{Aturn} + \beta_6 \text{TD} + \beta_7 \text{Ln Price} + \beta_8 \text{Quick} + \beta_9 \text{Roa}$$

که در این مدل:

MFR	چرخش اجباری مؤسسه حسابرسی که در صورت چرخش، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر است.
VFR	چرخش اختیاری مؤسسه حسابرسی که در صورت چرخش، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر است.
Firm Size	اندازه شرکت: معیار عدم تقارن اطلاعاتی است و از دیدگاه تئوریک رابطه مثبتی بین اندازه و نقد شوندگی در ادبیات وجود دارد. در این مقاله این متغیر با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت در پایان سال نشان داده می‌شود.
Lev	اهرم: عبارت است از مجموع بدهی‌های جاری و بدهی‌های بلندمدت تقسیم بر کل دارایی‌ها. اهرم بیشتر، درجه ریسکی بودن شرکت را افزایش و سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز را از معامله باز می‌دارد لذا نقد شوندگی سهام را کاهش می‌دهد.
Aturn	نسبت گردش دارایی: از تقسیم فروش بر کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.
TD	تعداد روزهای معاملاتی: به‌عنوان نماینده فعالیت‌های معاملاتی، عامل مهمی در تبیین نقد شوندگی سهام قلمداد می‌شود.
Ln Price	قیمت سهام: لگاریتم طبیعی قیمت سهام شرکت در پایان سال است.
Quick	نسبت جاری: از تقسیم دارایی جاری بر بدهی جاری محاسبه می‌شود.
Roa	نسبت بازده دارایی: از تقسیم سود خالص سالانه بر کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

در این پژوهش از روش تحلیل داده‌های ترکیبی (پنل) و نرم‌افزار Eviews9 برای برآزش و تحلیل استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱ نمونه توزیعی را به شکل بندی چرخش حسابسان فهرست کرده است. جدول ۱ نشان می‌دهد که ۱۲ درصد از چرخش‌ها مربوط به چرخش داوطلبانه مؤسسات حسابرسی و ۸ درصد از چرخش‌ها، مربوط به چرخش اجباری مؤسسات و ۸۰ درصد بدون چرخش بوده‌اند.

جدول ۱. چرخش های حسابرسی شرکت های مورد مطالعه

سال	چرخش اختیاری مؤسسات حسابرسی	چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی	عدم چرخش	مجموع
۱۳۸۶	۱۴	۱۱	۱۲۷	۱۵۲
۱۳۸۷	۱۴	۱۰	۱۲۸	۱۵۲
۱۳۸۸	۱۹	۱۵	۱۱۸	۱۵۲
۱۳۸۹	۳۰	۸	۱۱۴	۱۵۲
۱۳۹۰	۱۳	۶	۱۳۳	۱۵۲
۱۳۹۱	۱۰	۴۸	۹۴	۱۵۲
۱۳۹۲	۳۴	۳	۱۱۵	۱۵۲
۱۳۹۳	۱۴	۴	۱۳۴	۱۵۲
۱۳۸۶-۱۳۹۳	%۱۲	%۸	%۸۰	%۱۰۰

قبل از آزمون فرضیه ها، آمار توصیفی هر یک از متغیرهای پژوهش به شرح جدول ۲ به نمایش گذاشته شده است؛ بنابراین تعداد مشاهدات سال- شرکت بر اساس داده های ترکیبی متوازن، ۱۲۱۶ مشاهده بوده است. در جدول ۲، حداقل، حداکثر، میانگین، میانه و انحراف معیار متغیرهای مورد استفاده در پژوهش اعم از متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی ارائه شده است. در جدول ۲ متغیر نقد شوندگی با میانگین ۰/۱۸، میانه ۰/۱۹ و انحراف معیار ۰/۴۵ می باشد. میانگین درصد چرخش اجباری و درصد چرخش اختیاری به ترتیب ۰/۱۲ و ۰/۱۰ است و نشان می دهد که چرخش اجباری بیشتر از چرخش اختیاری رخ داده است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
نقد شونددگی	۰/۱۸	۰/۱۹	۲/۳۸	-۱/۵۱	۰/۴۵
چرخش اجباری	۰/۱۲	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۲
چرخش اختیاری	۰/۱۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۰
اندازه شرکت	۵/۹۲	۵/۸۶	۸/۲۵	۴/۳۵	۰/۶۰
اهرم	۰/۶۲	۰/۶۳	۱/۵۷	۰/۱۰	۰/۱۸
نسبت گردش دارایی	۰/۸۳	۰/۷۷	۲/۷۸	۰/۰۱	۱/۳۳
تعداد روزهای معاملاتی	۱۴۶/۲۳	۱۵۹/۵۰	۲۴۰/۰۰	۱/۰۰	۶۸/۱۹
قیمت سهام	۸/۱۵	۸/۰۶	۱۱/۰۷	۵/۳۴	۰/۹۴
نسبت جاری	۰/۲۳	۰/۲۰	۲/۳۱	۰/۰۳	۰/۱۳
نسبت بازده دارایی	۲/۲۵	۲/۴۶	۴/۱۴	-۳/۵۰	۱/۰۷

روش آماری مورد استفاده در این پژوهش روش رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده‌های تلفیقی است. قبل از تخمین و استنباط آماری رگرسیون، لازم است تا نوع روش تخمین داده‌های تلفیقی تعیین شود. برای انتخاب بین روش‌های مدل رگرسیون تلفیقی و رگرسیون اثرات ثابت (داده‌های پنل) از آزمون F لیمر (تعمیم یافته) استفاده شده است. این آزمون متکی به ضریب تعیین (R_2) بوده و آزمون می‌نماید که آیا ضریب تعیین رگرسیون با اثرات ثابت به صورت معناداری بزرگ‌تر از ضریب تعیین مدل رگرسیون تلفیقی است یا خیر. فرضیه H_1 این آزمون بیانگر وجود تفاوت معنادار در بین ضریب تعیین دو روش است.

آزمون هاسمن ما را در انتخاب و به کارگیری یکی از روش‌های اثرات ثابت (FE) و اثرات تصادفی (RE) یاری می‌رساند. فرضیه H_1 این آزمون بیانگر وجود تفاوت معنادار در ضرایب برآوردی در روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی است. در صورت پذیرش فرضیه H_0 از روش اثرات ثابت و در صورت پذیرش فرضیه H_1 از روش اثرات ثابت استفاده می‌شود. پس از انجام این آزمون‌های مشخص شده مدل رگرسیون اثرات ثابت (داده‌های پنل) استفاده شده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرها در مدل چرخش حسابرس

همبستگی پیرسون	ILLO	MFR	VFR	Size	Lev	Aturn	TD	Ln price	Quice
MFR	-۰/۰۱۵	۱							
VFR	۰/۰۷۸	-۰/۱۰۹	۱						
Size	۰/۰۳۳	۰/۰۲۵	-۰/۰۲۶	۱					
Lev	۰/۱۰۹	-۰/۰۰۷	۰/۰۳۷	-۰/۰۰۷	۱				
Aturn	۰/۰۶۰	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۰۶	۰/۲۰۰	۱			
TD	۰/۰۵۶	۰/۰۲۶	۰/۰۳۵	۰/۴۱۴	-۰/۰۱۶	-۰/۰۰۵	۱		
Ln Price	۰/۰۳۹	-۰/۰۲۰	۰/۰۵۷	-۰/۰۳۱	-۰/۱۲۱	۰/۰۸۲	-۰/۰۰۸	۱	
Quick	-۰/۰۴۵	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۹	-۰/۰۰۸	-۰/۵۹۲	-۰/۱۱۷	-۰/۰۲۷	۰/۰۵۸	۱
Roa	-۰/۵۴۴	-۰/۰۲۰	-۰/۰۳۷	۰/۰۱۰	-۰/۵۱۹	۰/۰۸۶	-۰/۰۰۹	۰/۴۹۵	۰/۳۰۰

جدول ۳ همبستگی پیرسون جفتی، میان متغیرها را در مدل نقد شوندگی نشان می‌دهد. طبق جدول تمام همبستگی‌های جفتی میان متغیرهای مستقل نسبتاً کم هستند و به اندازه کافی بزرگ نیستند (کوچک‌تر از ۰,۵)، به‌استثنای همبستگی پیرسون جفتی میان نسبت جاری و اهرم که میزان آن ۰,۵۹۲- و همچنین نسبت بازده دارایی و اهرم که میزان آن ۰,۵۱۹- است و نشان‌دهنده وجود هم خطی میان این دو متغیر است، لکن هنگامی که عامل تورم واریانس (VIF) محاسبه می‌شود، مشاهده شد که این مقدار کمتر از ۱۰ می‌باشد، بنابراین وجود این هم خطی مشکلی را برای نتیجه‌گیری بر مبنای مدل ایجاد نخواهد کرد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آماری به‌دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش، در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. نتایج تحلیل آماری

نقدشوندگی				متغیر وابسته
سطح معناداری (sig)	آماره t	خطای استاندارد	ضریب β	متغیرهای مستقل و کنترلی
۰/۶۰	۰/۵۱۱۰	۰/۲۲۶۴	۰/۱۱۵۶۹۸	چرخش اجباری
۰/۲۷	۱/۰۹۲۰	۰/۲۶۴۵	۰/۲۸۸۹۲۷	چرخش اختیاری
۰/۱۷	۱/۳۵۲۹	۰/۱۴۴۷	۰/۱۹۵۸۸۸	اندازه شرکت
۰/۰۱	۱۰/۶۰۲۴	۰/۱۳۱۸	۱/۳۹۷۴۰۴	اهرم
۰/۰۰	-۲/۵۹۸۹	۰/۳۹۱۳	-۱/۰۱۷۱۲۶	نسبت گردش دارایی
۰/۸۵	-۰/۱۹۰۷	۰/۰۰۱۴	-۰/۰۰۰۲۶۷	تعداد روزهای معاملاتی
۰/۰۰	-۴/۱۷۶۷	۰/۱۴۳۰	-۰/۵۹۷۲۹۴	قیمت سهام
۰/۳۳	-۰/۹۶۷۱	۰/۱۳۲۲	-۰/۱۲۷۸۶۵	نسبت جاری
۰/۱۰	۱/۶۱۰۸	۰/۱۲۵۰	۰/۲۰۱۳۷۵	نسبت بازده دارایی
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۵۵	ضریب تعیین: ۰/۶۳	دوربین واتسون: ۱/۷۴	احتمال آماره F: ۰/۰۰	آماره F: ۷/۶۶

نتیجه آزمون فرضیه اول

با توجه به بررسی‌های انجام شده در مورد تأثیر متغیر چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی بر نقد شوندگی سهام شرکت‌ها توسط روش‌های آماری استفاده شد، نتایج رگرسیون، تأثیر ضعیف و بی‌معنی را در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای چرخش اجباری نشان می‌دهد؛ بنابراین تأثیر معناداری بین چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی و نقد شوندگی سهام شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران وجود ندارد؛ از این رو نمی‌توان نتیجه گرفت، شرکت‌هایی که حسابرسی خود را طبق ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس تغییر داده‌اند علائمی را به بازار مخابره می‌کنند که باعث افزایش نقد شوندگی سهام شرکت‌ها شود.

نتیجه آزمون فرضیه دوم

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در مورد تأثیر متغیر چرخش اختیاری مؤسسات حسابرسی بر نقد شوندگی سهام شرکت‌ها توسط روش‌های آماری استفاده شد، نتایج رگرسیون، تأثیر ضعیف و بی‌معنی را در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای چرخش اختیاری نشان می‌دهد؛ بنابراین تأثیر معناداری بین چرخش اختیاری مؤسسات حسابرسی و نقد شوندگی سهام شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران وجود ندارد؛ از این رو نمی‌توان نتیجه گرفت، شرکت‌هایی که حسابرس خود را به صورت اختیاری تغییر داده‌اند علائمی را به بازار مخابره می‌کنند که باعث افزایش نقد شوندگی سهام شرکت‌ها شود.

نتیجه آزمون فرضیه سوم

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در مورد تأثیر متغیرهای چرخش اجباری و چرخش اختیاری مؤسسات حسابرسی بر نقد شوندگی سهام شرکت‌ها توسط روش‌های آماری استفاده شد، نتایج رگرسیون، تأثیر ضعیف و بی‌معنی را در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای چرخش‌های اجباری و اختیاری نشان می‌دهد؛ بنابراین تأثیر معناداری بین چرخش‌های اجباری و اختیاری مؤسسات حسابرسی و نقد شوندگی سهام شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران وجود ندارد؛ از این رو نمی‌توان نتیجه گرفت، نقش چرخش اجباری نسبت به چرخش اختیاری حسابرس در افزایش نقد شوندگی سهام بیشتر است.

تحلیل معناداری متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (size): بر اساس نتایج به‌دست‌آمده رابطه معناداری بین اندازه شرکت و نقد شوندگی سهام وجود ندارد. نتیجه حاصل با پژوهش‌های داخلی نظیر ثقفی و مرفوع (۱۳۹۰) و رحمانی، حسینی و رضاپور (۱۳۸۹) منطبق نیست همچنین با پژوهش علوی طبری و حاجی مرادخانی (۱۳۹۴) که نقد شوندگی را با معیار شکاف قیمت نسبی اندازه‌گیری کرده‌اند، همسو است. همچنین طبق پژوهش سون‌هاچی و یونگ دیک (۲۰۱۵) همسو است. اهرم (LEV): نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که رابطه منفی و معناداری بین اهرم و نقد شوندگی وجود دارد. این نتیجه منطبق با انتظارات تئوریک و نتایج پژوهش‌های دریائی و پاکدل (۱۳۹۰) و یعقوب نژاد و رهنمایی رودپشتی (۱۳۹۰) همسو است.

نسبت گردش دارایی (Atum): طبق نتیجه پژوهش بین نسبت گردش دارایی و نقد شوندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که این مطابق نتایج پژوهش سون‌هاچی و یونگ دیک (۲۰۱۵) می‌باشد. تعداد روزهای معاملاتی (TD): بر اساس نتایج به‌دست‌آمده رابطه معناداری بین تعداد روزهای معاملاتی و نقد شوندگی سهام وجود ندارد. این نتیجه خلاف انتظارات تئوریک و پژوهش احمدپور و رسائیان (۱۳۸۵) است.

قیمت سهم (LN Price): نتایج به دست آمده حاکی از رابطه مثبت و معنادار بودن رابطه بین قیمت سهام و نقد شوندگی سهام می باشد. این نتیجه از لحاظ معناداری مطابق با نتایج پژوهش علوی طبری و حاجی مرادخانی (۱۳۹۴)، نظیر ایزدی-نیا و رامشه (۲۰۱۱)، رحمانی و حسینی (۲۰۱۰) می باشد لکن در این پژوهش ها جهت رابطه درهم است. نسبت جاری (Quick): بر اساس نتایج به دست آمده بین نسبت جاری و نقد شوندگی سهام رابطه معناداری وجود ندارد که این مطابق با نتایج پژوهش سون هاچی و یونگ دیک (۲۰۱۵) نمی باشد. نسبت بازده دارایی (ROA): بر اساس نتایج به دست آمده بین نسبت بازده دارایی و نقد شوندگی رابطه معناداری وجود ندارد که این نتیجه با نتایج پژوهش ایزدی نیا و رسایان (۱۳۸۸) در خصوص این متغیر منطبق نیست.

نتیجه گیری و پیشنهادها

این پژوهش رابطه بین متغیرهای چرخش اجباری و اختیاری مؤسسات حسابرسی را با نقد شوندگی سهام بررسی نمود. وجود قانون چرخش مؤسسات حسابرسی به صورت مدون و رسمی موجب گرایش سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه به استفاده از گزارش های حسابرسی در زمینه تصمیم گیری برای مبادله اوراق بهادار می شود. در گزارش های ارائه شده از سوی مراجع فوق، فرآیند چرخش مؤسسات حسابرسی موجب می شود که در ذهن ذینفعان، گزارش حسابرسی نگاهی تازه نسبت به جایگاه این حرفه در جامعه متبادر شود (حساس یگانه و جعفری، ۱۳۸۹). در این پژوهش فرض گردید که چرخش حسابرسان باعث افزایش کیفیت حسابرسی و به تبع آن افزایش افشای اطلاعات شرکت ها منجر به بهبود کیفیت افشای شرکتی می گردد و این امر باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه افزایش نقد شوندگی سهام می شود. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین چرخش های اجباری و اختیاری مؤسسات حسابرسی و نقد شوندگی رابطه معناداری وجود ندارد.

ملکیان و معین الدین (۱۳۹۲) به رابطه مثبت و معنادار بین سال های متوالی حسابرسی و نقد شوندگی سهام دست یافته بودند بنابراین در صورت انطباق با نتیجه این پژوهش باید رابطه منفی و معناداری بین چرخش حسابرس و نقد شوندگی سهام به دست می آمد که چنین نتیجه ای حاصل نشده است. البته با توجه به نتیجه حساس یگانه و جعفری (۱۳۸۹) که چرخش مؤسسات حسابرسی منجر به افزایش کیفیت حسابرسی در ایران نمی شود، عدم وجود رابطه معنادار بین چرخش حسابرس و نقد شوندگی سهام، برای هر دو نوع چرخش منطقی و قابل توجه می باشد. همچنین طبق نتایج به دست آمده از پژوهش علوی طبری و حاجی مرادخانی (۱۳۹۴) که بین چرخش مؤسسات حسابرسی و نقد شوندگی رابطه معناداری وجود ندارد این نتیجه برای چرخش های اجباری و اختیاری منطقی می باشد. بر اساس این نتیجه، پیشنهاد می شود جامعه حسابداران رسمی ایران ضرورت بازنگری در قوانین مربوط به چرخش حسابرسان را در جهت کارا تر کردن

این قانون و نظارت مؤثر به نحوه اجرای آن، در دستور کار قرار دهد. برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود تأثیر نوع اظهارنظر حسابرس بر نقد شونددگی سهام و نیز اثر چرخش از مؤسسات باکیفیت بالا به مؤسسات باکیفیت پایین‌تر بر نقدشوندگی سهام بررسی و باحالت عکس آن مقایسه شود.

فهرست منابع

۱. احمد پور، احمد؛ امیر رسائیان (۱۳۸۵). "رابطه برخی معیارهای ریسک و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۶، صص ۳۷-۶۰.
۲. اسلامی بیدگلی، غلامرضا سارنج، علیرضا (۱۳۸۷). "انتخاب پرتفوی با استفاده از سه معیار میانگین بازدهی و نقد شونددگی در بورس اوراق بهادار تهران". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۳، صص ۳-۱۶.
۳. ایزدی نیا، ناصر؛ منیژه رامشه (۱۳۹۰). "نقش ویژگی‌های معاملات سهام بر نقد شونددگی سهام در بورس اوراق بهادار تهران". مجله پیشرفت‌های حسابداری، شماره ۱، صص ۱-۲۷.
۴. حساس یگانه، یحیی. "فلسفه حسابرسی". انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۵. حساس یگانه، یحیی؛ ولی‌الله جعفری (۱۳۸۹). "بررسی رابطه چرخش مؤسسات حسابرسی کیفیت گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۹، سال ۳، صص ۲۵-۴۲.
۶. دریائی، عباسعلی؛ عبدالله پاکدل و نرگس فلاح محمدی (۱۳۹۰). "تبیین رابطه بین حاکمیت شرکتی و نقد شونددگی سهام با استفاده از سیستم معاملات هم‌زمان". تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱، ص ۱۳۲.
۷. رحمانی، علی؛ سید علی حسینی و نرگس رضا پور (۱۳۸۹). "رابطه ماکیت نهادی و نقد شونددگی سهام در ایران". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۳۹-۵۴.
۸. رحیمیان، نظام‌الدین؛ رضا جان فدا (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر چرخش اجباری و داوطلبانه مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی". حسابرسی: نظریه و عمل، سال ۱، شماره ۱، صص ۶۷-۸۹.
۹. رحیمیان، نظام‌الدین؛ مینا شکری (۱۳۹۲). "نقش چرخش‌های حساب‌برسان ارتقای کیفیت موسسه‌های حسابرسی مروری بر تحقیق‌های انجام‌شده". حسابرس، سال ۱۵، شماره ۶۴، صص ۱۳۰-۱۳۸.
۱۰. علوی طبری، سید حسین؛ حدیثه حاجی مراد خانی (۱۳۹۴). "رابطه کیفیت حسابرسی و نقد شونددگی سهام". پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۷، شماره ۲۷، صص ۹۳-۱۰۹.

۱۱. کرمی، غلامرضا؛ آمنه بذرافشان و امید محمدی (۱۳۹۱). "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود". مجله دانش حسابداری، سال ۲، شماره ۴، صص ۶۵-۸۲.
۱۲. ملکیان کله بستی، اسفندیار؛ محمود معین‌الدین و انسیه کلانتری (۱۳۹۰). "رابطه کیفیت حسابرس مستقل و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۴، صص ۶۹-۸۰.
۱۳. یحیی زاده فر، محمود؛ جواد خرم‌دین (۱۳۸۷). "نقش عوامل نقد شوندگی و ریسک عدم نقد شوندگی بر مازاد سهام در بورس اوراق بهادار تهران". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴، صص ۱۰۱-۱۱۸.
۱۴. یعقوب نژاد، احمد؛ فریدون رهمانی رود پستی و علی ذبیحی (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر نقد شوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار". سال ۴، شماره ۱۳، صص ۱۵۷-۱۷۳.

15. Aitken, M. & Forad. C. (2003). How should liquidity be measured? Pacific- Basic Finance Journal. (11): 45-59.
16. Almutairi, A.R. & Dunn, K.A. & Skantz, T. (2009). Auditor Tenure, Auditor Specialization and Information Asymmetry. Manageriel Auditing Journal, Vol. 7(24). 600-623
17. Amihud, Y. (2002). Illiquidity and Stock Returns: Cross-Section and Time- Series Effects. Journal of Financial Markets. (5). 31-56.
18. Amihud, Y. & Mendelson, H. (1988). Liquidity and Asset Prices: Financial Management Implications". Financial Management, Spring, 5-15.
19. Balvers, R. J. & Mcdonald, B. & Miller, R. E. (1988). Underpricing of new issues and the choice of auditor as a signal of investment banker reputation. The Accounting Review, 63(4), 605-622.
20. Beattie, V. & Fearnley, S. (1998). Audit market competition: auditor changes and the impact of tendering. British Accounting Review, (30), 261-289.
21. Chen, C. Y. & Lin. C. J. & Lin, Y. C. (2004). Audit partner tenure, audit firm tenure and discretionary accruals; does long auditor tenure impair earning quality? Working paper, Hong Kong University of Science and Technology. 3(10): 76-96.
22. De Angelo, L. E. (1981) Auditor Size and Audit Quality". Journal of Accounting and Economic. 3(3): 183-199.
23. Fortin, S. & Pittman, J. A. (2007). The role of auditor choice in debt pricing in private firms. Contemporary Accounting Research, 24(3). 859-896.
24. Gul, Ferdinand A. & Lee, Woo-Jong. (2010). The Impact of Mandatory Versus Voluntary Auditor Switch on Stock Liquidity in the Korean Market". Monash University, Kuala Lumpur seminar, Research seminar series.
25. Heflin, F. & Shaw, K.W. & Wild, J.J. (2002). Disclosure quality and market liquidity", Working Paper, Robert H. Smith School of Business, College Park, 4(7).
26. Kim, J. B. & Yi, C. H. (2006). Does auditor rotation improve audit quality in emerging markets? Korean evidence. Working paper, Concordia University and Hong Kong Polytechnic University. 2(3): 1805-3602.
27. Lopes, P.T & Rodrigues, L.L. (2007). Accounting for financial instruments: An analysis of the determinants of disclosure in the Portuguese stock exchange The International Journal of Accounting. 42: 25-56.
28. Pittman, J. A. & Fortin, S. (2004). Auditor choice and the cost of debt capital for newly public firms. Journal of Accounting and Economics, 37(1), 113-136.
29. Ruiz-Barbadillo E. & Gomez-Aguilar N. (2002). Does Auditor Tenure Improve Audit Quality? Mandatory auditor Rotation Versus Long Term Auditing. An empirical nalysis. Working paper. University of Cadiz Spain.
30. Sinnott, W. (2004). Are there good reasons for auditor Stanley, Audit firm tenure and financial restatements: an analysis of industry specialization and fee effects. Journal of Accounting and Public Policy. 26:131-159.

31. Sunhwa CH. &, Youn-sik CH, & Ferdinand, A. & woo-Jong L. (2015). The impact of mandatory versus voluntary auditor switches on stock liquidity: some Korean evidence *british accounting review*, 47: 100-116.
32. U. S. Congress. (2002). the Sarbanes-Oxley Act of 2002. 107 Congress of the United States of America. H. R. 3763. Washington, D C: Government Printing Office.

Investigating the relationship between mandatory and voluntary auditor Rotation on stock liquidity In Tehran Stock Exchange

Reza jamei¹, behnam nasiri²

According to the literature, it is expected that Rotation of audit firm increase in Audit Quality results in higher disclosure quality and lower information asymmetry which this in turn leads to increase in stock market liquidity of firms. Therefore, in this study, the effects of Mandatory and voluntary audit firm rotation on liquidity of shares of companies listed in the Tehran Stock Exchange has been studied. The sample includes the population of listed companies in Tehran Stock Exchange that during the period under study had at least one auditor rotation. Required data has been collected from financial statements, audit reports and stock transaction history of Tehran Stock Exchange. In this study, 152 companies listed on Tehran Stock Exchange during the years 2007 to 2014 are examined. Collected basic data, were analyzed using software Eviews9 and to examine the relationship between variables multiple regression and to test research hypotheses, methods of data analysis combined (panel) is used. The results show that mandatory and voluntary auditor rotation has no effect on liquidity of stocks listed in Tehran Stock Exchange.

Key words: voluntary rotation, mandatory rotation, information asymmetry, stock liquidity.

1. Assistant Prof ., *Faculty of Humanities and social Sciences, University of Kurdistan (uok)*, , Email: r.jamei@uok.ac.ir. 09183716453.

2. *MSc. Student of Humanities and social Sciences University of Kurdistan (uok)*, b.nasiri86527@gmail.com. (*Corresponding Author*)